انتظار فرج از نیمه خرداد کشیم

صفحه‌آرا: علی حسنی

گفت‌وگو با آیت‌الله یزدان پناه

قدرت و مبارزه نقطه نهایی سلوک

آیت‌الله سید یدالله یزدان‌پناه از برجسته‌ترین استادان حکمت و عرفان حوزه‌های علمیه محسوب می‌شود. ایشان که شاگردی استاد حسن‌حسن‌زاده آملی و استاد عبدالله جوادی آملی را در کارنامه خود دارند، اصلی‌ترین دغدغه خود را ترویج تراث حکمی و عرفانی، به‌خصوص عرفان نظری قرار داده‌اند. البته نه صرفا کرسی درس و بحث علمی، بلکه به امتدادهای عینی و اجتماعی این دو دانش نیز توجه تام دارند.

حجت‌الاسلام امینی‌نژاد

تربیت عمومی با نهادسازی اجتماعی

استاد علی امینی‌نژاد از مهم‌ترین استادان فلسفه و عرفان در حوزه‌های علمیه است. فضلای جوان حوزه، با توق حکمی و عرفانی‌شان درس این استاد مبرز حوزه است. اهتمام ویژه ایشان به شخصیت و آثار حضرت امام، ما را بر آن داشت که برای فهم دستگاه تربیتی ویژه‌ای که حضرت امام با انقلاب خود برای بشریت به ارمغان آورده، سراغ ایشان برویم.

توجه حضرت امام به نهادسازی در مسیر تربیت عرفانی

در طول گفت‌وگو، از مبادی مبنایی بحث تا مثال‌های عینی امروزی، بحث به شکل منظومه‌ای پیش رفت و در عین عمیق بودن، کاربردی شدن معارف را هم به مخاطب نشان داد. برخی از نکاتی که ایشان در این‌باره بیان کردند خلاصه‌وار در اینجا ارائه خواهد شد. ایشان معتقد است:

حقیقتا حضرت امام را باید مظهر جامع بروز و ظهور رسول گرامی اسلام و ائمه معصومین علیهم‌السلام بدانیم. سخن حضرت امام این است که باید چشم باز کرد و در همه جا توحید را دید و توحید را پیاده کرد. لذا عمومی کردن عرفان را هم حضرت امام معتقدند و هم آیت‌الله میرزامحمدعلی شاه آبادی. نگاه حضرت امام این است که به جای اینکه تک تک افراد را موضوع کار تربیتی قرار دهیم، اگر بتوانیم نهادی درست بکنیم که این نهاد چنان ساخته شده باشد که انسان‌ها را رشد دهد، راه بسیار کوتاه‌تر و پرثمرتر خواهد شد. ارد‌وهای جهادی و راهیان نور نمونه‌ای از نهادهای تربیتی ساخته انقلاب هستند. آن چوهره عرفان عملی مورد تاکید عرفا که از آن در ادبیات عرفانی با ایثار نام می‌برند، به روشنی در این نهادها دیده می‌شود. به جرأت می‌توان مقطع پس از امام را یک مقطع جدید در دوران عرفانی و حکمی به‌حساب آورد و حتی می‌توان آن را یک دوران تازه محسوب کرد.

بسط توحید در اندیشه انقلابی امام خمینی

امام در کتاب‌هایش، مثل یک مربی، مشغول تربیت است. تشویق می‌کند، می‌ترساند، فریاد می‌زند که چه نشسته‌ای؟! چرا به زمین چسبیده‌ای؟! هدف انقلاب اسلامی بسط توحید است. پیاده شدن توحید در ذهن امام و رهبر انقلاب، یکی از جدی‌ترین دغدغه‌هاست. حضرت امام معتقد است در دل تحولات جمعی باید مردم را به سمت توحید برد. امثال شهیدان سلیمانی و نصرالله، تربیت‌شده‌های توحیدی نهادی انقلاب اسلامی هستند، نه اینکه حضرت امام و رهبر انقلاب، استاد سلوکی ایشان باشند. امام گزاره‌های درونی عرفان را در عالی‌ترین سطح امور اجتماعی منتشر کرده و نقش عرفان در جنگ، در سیاست، در تربیت، در جامعه‌سازی در اقتصاد دیگر برای همه روشن شده است.

تفاوت دو مکتب عرفانی و تأثیر آن بر جامعه‌سازی

دو مکتب عرفانی در میان حکما و عرفای ما وجود دارد. یکی از طریق «معرفت نفس»، به‌دنبال کمالات انسان است که همان مکتب نجف و امتدادهای آن در قم باشد و یکی هم بر محور مسئله «توحید» پافشاری می‌کند؛ مثل مرحوم آقای شاه‌آبادی که استاد عرفان امام بود. نه اینکه به معرفت نفس توجهی نداشتند، مسئله بر سر محوریت معرفت نفس در نجف و توحید نزد آیت‌الله میرزامحمدعلی شاه آبادی است که هر کدام لوازم مخصوص به خود را دارد.

خلافت بالسیف و ارتباط آن با شریعت ختمی

با توجه به حدیث «علماء امتی افضل من انبیاء بنی اسرائیل» می‌توان ادعا کرد که علمای ذیل شریعت ختمی، از انبیای بنی اسرائیل افضل‌اند. اساسا ثبوت ختمی شرایط ویژه‌ای دارد. رسول گرامی اسلام در روایتی می‌فرمایند: «ان‌الله اختار من انبیائه اربعه بالسیف ابراهیم و موسی و داود و انا»؛ خداوند سبحان در میان انبیا ۴ نفر را برای حکومت با شمشیر برگزیده است. این مسئله مهم خلافت بالسیف که ابن‌عربی در فتوحات و فصوص‌الحکم مفصل بحث کرده، بسیار مهم است. رسول‌الله که نبی اولوالعزم است، هم باید صاحب شریعت باشد و هم حکومت جهانی داشته باشد.

نهادسازی تمدنی امام و تأثیر آن بر تحولات جهانی

سلوک ذیل نبی ختمی یعنی اینکه امام وقتی می‌اندیشد و عزم می‌کند، تمدنی تصمیم می‌گیرد و حرکت می‌کند. نهادسازی‌های او هم یک نهادسازی‌های تمدنی و عظیم است که در دل خود، دنیایی از نهادهای خرد دیگر شکل می‌گیرد.

جایگاه عرفان اجتماعی و بقای بعد فنا در اندیشه امام خمینی

«واقعیت این است که اصل عرفان به لحاظ مبانی‌ای که در خود دارد، عارف را به‌سوی جامعه رهنمون می‌کند. بسیاری از مبانی عرفان چنین نتیجه‌ای به همراه دارد. یکی دیگر از مسائلی که می‌تواند به‌عنوان مبنا در عرفان مطرح گردد، مسئله بقای بعد فناست. بقاء بعدالفنا معمولا ناظر به شئون اجتماعی است که نگاه به خلق دارد. در مقام فنا تنها توحید مدنظر است؛ اما در مقام بقاء بعدالفنا هم حق حق و هم حق خلق را ادا می‌کند.» (نقش عرفان در منظومه فکری و رفتاری امام خمینی)

خلافت به سیف و پیوند عرفان با حکومت

«مسئله دیگر، خلافت به سیف یعنی حکومت است، شأن پایانی که معمولا برای انبیا و انسان کامل درنظر می‌گیرند. همین تعبیر خلافت به سیف (خلافت با شمشیر) نشان‌دهنده مبنایی است که عارف را به‌سوی اجتماع و عمل اجتماعی دعوت می‌کند. خلافت به سیف یعنی شخص چنان قدر تمند است که‌شأن خلافت به سیف و حکومت پیدا می‌کند، این ناشی از قدرت باطنی است، یعنی عرفا معتقد هستند هرچه باطن قوی‌تر باشد از مرحله نبوت به مرحله رسالت و از آنجا به خلافت به سیف می‌رسد.» (نقش عرفان در منظومه فکری و رفتاری امام خمینی)

ارتباط حکمت عملی و سلوک اجتماعی در اندیشه آیت‌الله یزدان‌پناه

به همین جهت در حوزه حکمت، «حکمت عملی» و در بعد عرفانی، «سلوک اجتماعی» مدنظر جدی ایشان قرار دارد. دغدغه‌های امتدادی نسبت به دانش‌های حوزوی، باعث اهتمام جدی استاد یزدان‌پناه نسبت به حضرت امام و شخصیت جامع او شده است. درنتیجه چه در مباحث کلاسیک و تعلیمی خود و چه در فضاهای پژوهشی و چه در بعد ترویجی، توجه‌محوری به آرا و شخصیت حضرت امام دارند. در این یادداشت به برخی از عناصر ناظر به مکتب سلوکی حضرت امام از منظر ایشان خواهیم پرداخت.

راه‌های میانبر در سلوک عرفانی حضرت امام

«سبک سلوکی حضرت امام برآمده از معرفت عرفان نظری ایشان است؛ شیوه‌ای که ما از اینها به راه‌های میانبر تعبیر می‌کنیم. کسی که حتی عرفان نظری نخوانده، کار عملی می‌کند که برای خود شیوه‌ای دارد. اما راه میانبر چیست؟ حضرت امام از استادش، آقای شاه‌آبادی نقل می‌کند کسی که عرفان نظری می‌خواند مثل کسی است که درون دریا داخل شیشه‌ای قرار گرفته، فقط باید تلنگری بزند و شیشه بشکند تا وصل شود؛ یعنی فاصله او تا حقیقت به لحاظ عملی و سلوکی، اندک است و راه‌های میانبر دارد. گرچه این علوم حصولی، حتی علم عرفان نظری حجاب است ولی باید برای رسیدن به حقیقت وارد این حجاب شد و با مجاهده قلبی خرق حجاب کرد و به حقیقت رسید.» (همایش عرفان اسلامی از نگاه امام خمینی)

عمومی‌سازی عرفان در میان مردم توسط امام خمینی

بر اساس همین محوریت بعد اجتماعی نزد حضرت امام، عمومی کردن عرفان در میان مردم از همان قبل انقلاب اسلامی و قبل از نهضت امام خمینی، در سیره ایشان دیده می‌شود.

«حضرت امام می‌گوید که من وقتی شرح منازل‌السائرین (یکی از کتاب‌های اصلی دانش عرفان عملی) را شروع کردم ابتدائا برای عده‌ای از خواص شروع کردم. از من خواستند که این را عمومی کنم. من شرح منازل را عمومی کردم و زبان را هم تغییر دادم. تعبیر حضرت امام اینطور است که می‌گوید این کار را کردیم و مردم هم خیلی استقبال کردند. علت اصلی توسعه این مجلس، جلوگیری شدید پلیس رضاشاه از مطلق تعزیه و موعظه بود، از این جهت مردم علاقه‌مند بودند. یک دوره مباحث اخلاقی از حضرت امام داریم و من می‌توانم اسم آن را اخلاق عرفانی بگذارم. اخلاق عرفانی چگونه پدید آمد؟ از همین کاری که حضرت امام نسبت به منازل‌السائرین و شرح منازل به شکل عوام‌فهم انجام می‌داد که برخی از آن را گزینش می‌کرد و برای مردم می‌گفت که به چیزی به اسم اخلاق عرفانی تبدیل شد.» (همایش عرفان اسلامی از نگاه امام خمینی؛ بنیادها و دستاوردها)

تأثیر آیت‌الله شاه‌آبادی بر نگاه امام خمینی به آموزش عرفانی

استاد یزدان‌پناه رویکرد حضرت امام را متاثر از استاد خود آیت‌الله میرزامحمدعلی شاه‌آبادی می‌دانند و در شرح این منش استاد کامل خود اینطور بیان می‌کنند:

«مرحوم آقای شاه‌آبادی - رحمه‌الله - برای عده‌ای از کاسب‌ها [که] می‌آمدند آنجا، مسائل را هماطور که برای همه می‌گفت، برای آنها هم می‌گفت. من به ایشان عرض کردم: «آخر اینها [که سنخیتی ندارند!]» گفت: «بگذار این کفریات به گوششان بخورد!»» (فروغ معرفت در اسرار ولایت و خلافت، ج ۱، ص ۲۳۴، یدالله یزدان‌پناه)

حجت‌الاسلام علیرضا پناهیان

سلوک در بستر مبارزه با ظلم

استاد پناهیان را باید از جمله منبری‌هایی به‌حساب آورد که محتوای منبر خود را کاملا محققانه و ناظر به نیازهای روز تنظیم و ارائه می‌کند و به همین جهت تبلیغ و منبر ایشان جریان‌ساز است و گفتمان ایجاد می‌کند.

توجه به غربت مکتب حضرت امام

یکی از دغدغه‌ها و محورهای مورد اهتمام ایشان در بیانات‌شان بود و توجه به شخصیت و مکتب حضرت امام. ایشان نسبت به غربت امام در جامعه ایران و به‌خصوص در میان نخبگان ایرانی، گلایه و اعلام خطر می‌کنند: «واقعا جا دارد برنامه‌ها و مجالسی به‌صورت مرتب و هفتگی تشکیل بشود، برای بازخوانی و بررسی مکتب حضرت امام(ره)؛ مکتبی که شاگردان فراوانی دارد و یکی از شاگردان برجسته این مکتب، سردار عزیز حاج‌قاسم سلیمانی بود. ما غیر از کتاب‌های امام(ره) حداقل ۲۱ جلد از بیانات ایشان را که در فضای انقلاب مطرح کرده‌اند، در اختیار داریم و این خیلی ناگوار است که حرف‌های امام(ره) و مرام و ایده بسیار باعظمت ایشان تحت عنوان «اسلام ناب» در بین ما که از نظر معنوی دل‌سپرده ایشان هستیم، غریب باشد.»

ویژگی‌های مکتب سلوکی حضرت امام

استاد پناهیان درباره مکتب سلوکی حضرت امام معتقد است: «اولا حضرت امام خیلی عمل‌گرا بودند و به مباحث نظری و کم‌فایده یا بی‌فایده نه می‌پرداختند و نه دیگران را به این گفت‌وگوها مشغول می‌کردند. عمل‌گرایی در کلمات ایشان کاملا مشهود است و حتی گاهی به روش‌های مرسوم علم اخلاق اعتراض می‌کنند چرا که ثمره عملی در تهذیب نفس ندارد و یا خیلی کم است. ثانیا حضرت امام به گرایشات و تمایلات قلب و روح انسان اهمیت می‌دهند که این به نوعی نتیجه همان عمل‌گرایی و نتیجه‌گرایی حضرت امام است. بر همین اساس بحث مبارزه با هوای نفس و فریب نفس در نظام فکری و اخلاقی حضرت امام نقش محوری دارد که تفاوت دیدگاه ایشان را با اخلاق افلاطونی و یونانی نشان می‌دهد.

ثالثا ویژگی دیگری که در نگاه سلوکی ایشان هست و شاید پررنگ‌تر از دو مورد قبل باشد بحث توجه به وضعیت اجتماعی است. در واقع عرق انقلابی و نگاه اجتماعی ایشان جدای از نگاه سلوکی و معنوی‌شان نیست. با همان حرارتی که یک سالک تقرب الی‌الله را طلب می‌کند، ایشان دقیقا با همان حرارت مبارزه با طاغوت و استکبار را دنبال می‌کند.»

نقش عرفان امام در بیدارسازی فطرت انسان‌ها

«حضرت امام استاد اخلاقی هستند که با پدیده انقلاب میلیون‌ها نفر را در مسیر سلوک الی‌الله قرار دادند. این نگاه متفاوت است با اینکه ما مجلس وعظ تشکیل دهیم یا شاگردان محدودی را در اطراف خودمان پرورش دهیم یا چند کتاب بنویسیم.

رابعا توجه به فطرت انسان‌ها در کار امام پررنگ بود که این را از استادشان آیت‌الله شاه‌آبادی دریافت کرده بودند. بر این اساس اولا عجب و غرور را از سالک برطرف می‌کردند و ثانیا امیدشان به هدایت انسان‌ها فوق‌العاده بالا می‌رفت و ثالثا شیوه گفت‌وگو با مردم را پیدا می‌کردند؛ شیوه‌ای که بتواند منجر به بیدارسازی فطرت شود.»

ریشه‌کن کردن ظلم؛ نقطه عزیمت عرفانی حضرت امام

اما اگر کسی را می‌دادید به امام تا او را تربیت کند و انگیزه دینی برایش ایجاد بکند، امام از ظلمی که در حیات بشر هست و این ظلم باید ریشه‌کن بشود شروع می‌کردند؛ این خیلی فرق می‌کند با اینکه مثلا ما بیاییم از اثبات وجود خدا و قاعده لطف شروع کنیم.

امام انقلاب را با تکیه بر توجه دادن به ظلم شروع کردند. در آموزش‌های دینی ما، نه از طرف حوزه و نه از طرف آموزش‌های رسمی، این سلوک امام پیگیری نشد. به ظلم به‌عنوان مبنایی برای دیندار توجه نشد. ما الان کتاب‌های دینی خودمان را به جای اینکه اسم‌های جهادی بگذاریم، اسم‌های بی‌خاصیت معنوی مثل هدیه‌های آسمانی می‌گذاریم. حضرت امام هم خودشان خیلی نسبت به ظلم و نسبت به مظلوم حساس بودند و هم دیگران را به‌صورت عمیق معنوی و عرفانی حساس می‌کردند و این گرانیگاه و نقطه عزیمت عرفانی حضرت امام بود.